

متن پرسش

سلام استاد گرامی: استاد عزیز در کتاب جایگاه جن، شیطان و جادوگر در عالم در قسمت کتک خوردن از خیالات فرموده اید که: (نقش خیال بر روی تن بسیار عجیب است. مثلاً اگر طرف در خانه تنها نشسته است، یک مرتبه فکر کند که نکند یک دزد از دیوار بالا بیاید. در این حال اگر عقل و ایمان او به کمک آیند که مگر خدا تو را تنها می‌گذارد، خدا خودش کمک می‌کند؛ همین توکل انسان به خدا نمی‌گذارد آن خیال رشد کند. اما اگر عقل و ایمان در صحنه نبود و آن خیال همچنان رشد کرد و باز قدرت گرفت و رشد کرد، یک مرتبه طرف آن دزد را بالای دیوار می‌یابد. اگر باز خیال کرد که حالا می‌آید و یک کتک محکم به من می‌زند، می‌یابد که آن دزد آمد و شروع کرد او را زدن، و اگر خیال کرد طوری او را زد که تمام بدنش سیاه شد، می‌یابد که بدنش سیاه شد. بعد که آن خیالات رفت و آشنایان آمدند می‌بینند که واقعاً بدن او سیاه شده و می‌پذیرند که دزدی آمده و او را کتک زده و بدن او را سیاه کرده است. در حالی که او از خیالات خودش کتک خورد، آن خیالات آن قدر قوی بود که روی بدن او تأثیر گذارد. بنده خودم موردی را می‌شناختم که می‌گفت: جنیان آمدند و محکم با دست روی صورتم زدند، و فردا صبح جای پنج انگشت روی صورتم کبود بود. این همان کتک خوردن از خیالات نفس خود است) بنده هر کار می‌کنم نمی‌توانم قسمت سیاه شدن بدن به واسطه ی کتک خیالی که خورده بود و یا جای انگشتان روی صورت به واسطه خیالات باشد، آخه مگه میشه خیال که وجود خارجی ندارد باعث سیاه شدن بدن و یا جای انگشت روی صورت باشد؟ اگه اینجوری باشه که خیال تجسم خارجی و تأثیر خارجی داشته باشد و تأثیر سریع و هماهنگ با همان خیال را روی بدن داشته باشد که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود؟ بنده به هیچ وجه نمی‌توانم بپذیرم که خیال این قدر می‌تواند قوی باشد و تأثیر روی بدن شخص بگذارد، شاید آن شخص واقعا از کسی کتک خورده شاید آن شخص واقعا سیلی به صورتمش خورده و شما می‌گذارید پای خیال؟ لطفا در مورد قسمت ذکر شده برای بنده توجیه منطقی و مستدل کنید، با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید در تأثیر خیال روی بدن کار کنید. لازم نیست ما برای کبود شدن جسم حتماً یک پدیده‌ی خارجی را مؤثر بدانیم. شاید داستان آن دانشجوئی که می‌گفت: «اگر شب خواب بینم پایم زخم شده، فردا صبح به همان شکل خطی از خون در بدنم هست» نمونه‌ی خوبی باشد. موفق باشید

